



گفت‌وگوی
روزنامه صبا با
عوامل نمایش
«ناریا»

تئاتر اجتماعی در میانه جامعه و گیشه

می‌شود، آدم‌ها دیگر نمی‌دانند چه زمانی و چطور قرار است به مقصد برسند. همین ویژگی برای جهان «ناریا» بسیار مهم بود. برای من واکن مترو فقط یک لوکیشن نیست؛ تصویری کوچک‌شده از جامعه‌ای است که آدم‌هایش در یک مسیر مشترک حرکت می‌کنند.

○ با توجه به قیمت بلیت، آیا تئاتر اجتماعی همچنان می‌تواند هنر عمومی باشد یا به کالایی برای طبقه‌ای خاص تبدیل شده است؟

این سؤال، سؤال بسیار جدی و دردناکی است و فکر می‌کنم نمی‌شود از کنار آن ساده گذشت. تئاتر ذاتاً باید هنری عمومی باشد، اما واقعیت اقتصادی تولید امروز شرایط را پیچیده کرده است. وقتی هزینه سالن، دستمزد عوامل، طراحی، تبلیغات و تمام هزینه‌های تولید افزایش پیدا می‌کند، قیمت بلیت هم ناخواسته بالا می‌رود. اما این به این معنا نیست که من این وضعیت را ایده‌آل می‌دانم. اتفاقاً یکی از نگرانی‌های من این است که تئاتر اجتماعی، که قرار است درباره مردم و جامعه حرف بزند، از بخشی از همان جامعه دور شود. به نظر باید یک راه میانه پیدا کنیم؛ هم تولیدکننده بتواند هزینه‌های واقعی تولید را تأمین کند و هم تماشاگر تئاتر تبدیل به یک امکان محدود برای گروه خاصی از جامعه نشود.

○ فکر می‌کنید پنج یا ده سال دیگر هم «ناریا» هنوز حرفی برای گفتن خواهد داشت؟

«ناریا» از اتفاقات امروز شروع می‌کند، اما تلاش کرده‌ام فقط درباره امروز نباشد. من بیشتر به رفتار انسان‌ها در شرایط بحرانی علاقه داشتم؛ اینکه وقتی آدم‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند، چه تصمیم‌هایی می‌گیرند، چطور با یکدیگر رفتار می‌کنند و چقدر حاضرند برای نجات خودشان یا دیگری از خودشان عبور کنند. شرایط اجتماعی ممکن است تغییر کند، اما ترس، امید، تنهایی، قضاوت، قدرت، همدلی و تضادهای انسانی همچنان وجود خواهند داشت. اگر «ناریا» بتواند درباره این بخش از انسان حرف بزند، امیدوارم پنج یا ده سال دیگر هم تماشاگر بتواند خودش را در آن پیدا کند.

○ با ۳۱ بازیگر، چگونه از ازدحام صحنه جلوگیری کردید و به یک زبان اجرایی واحد رسیدید؟

یکی از سخت‌ترین بخش‌های کار دقیقاً همین بود. وقتی تعداد بازیگران زیاد می‌شود، اگر میزانشن و ریتم کنترل نشود، صحنه خیلی راحت تبدیل به ازدحام می‌شود. من از ابتدا تلاش کردم هر بازیگر بداند چرا در هر لحظه روی صحنه حضور دارد؛ چه زمانی باید دیده شود، چه زمانی باید بخشی از کلیت صحنه باشد و چه زمانی سکوت و حضورش از دیالوگش مهم‌تر است. برای رسیدن به یک زبان واحد هم سعی کردم به جای اینکه تفاوت‌های بازیگران را حذف کنم، آنها را در یک جهان مشترک قرار بدهم. تمرین‌ها فقط درباره دیالوگ و بازی نبود؛ درباره ریتم، میزانشن، واکنش، نگاه و حتی نحوه حضور در فضای صحنه بود. در نهایت همه باید می‌دانستند که «ناریا» یک گروه است، نه ۳۱ بازیگر جدا از هم.

○ در یک اجرای پربازیکر، همیشه این خطر هست که بعضی بازیگران به حاشیه رانده شوند. چطور عدالت بازیگری را روی صحنه برقرار کردید؟

عدالت بازیگری برای من به معنای این نیست که همه دقیقاً به یک اندازه دیالوگ یا زمان حضور داشته باشند. هر شخصیت کارکرد خودش را در داستان دارد. مهم این است که هیچ بازیگری احساس نکند حضورش صرفاً برای پر کردن صحنه است. از ابتدا تلاش کردم برای هر شخصیت یک دلیل مشخص برای حضور در جهان نمایش داشته باشم. حتی بازیگری که ممکن است زمان کمتری در مرکز توجه باشد، باید حضورش در کلیت داستان معنا داشته باشد. به نظر من این نگاه باعث می‌شود بازیگر احساس کند عضوی از یک اثر است، نه صرفاً یک نفر از بین ۳۱ نفر.

○ آیا در این پروژه لحظه‌ای بوده که متوجه بشوید یک بازیگر برخلاف تصور اولیه‌تان، معنای دیگری از یک شخصیت یا صحنه پیدا کرده و شما را مجبور کرده



حسین فردوسی، کارگردان:

تئاتر اجتماعی نباید از جامعه دور شود

حسین فردوسی، کارگردان این نمایش، معتقد است مسائل اجتماعی و سیاسی زمانی می‌توانند روی صحنه اثرگذار باشند که از دل موقعیت و روابط انسانی بیرون بیایند، نه از شعار. او در گفت‌وگو با «صبا» از چالش‌های اجرای نمایشی با ۳۱ بازیگر، تناقض میان تئاتر اجتماعی و قیمت بلیت، ضرورت پربازیکر بودن «ناریا» و این پرسش می‌گوید که در شرایط بحرانی، انسان‌ها تا چه اندازه حاضرند یکدیگر را تحمل کنند و برای نجات دیگری قدم بردارند.

○ وقتی یک نمایش اجتماعی را روی صحنه می‌برید، همیشه این خطر وجود دارد که اثر تبدیل به «بیانیه» شود. شما کجا تلاش کردید «ناریا» سیاسی و اجتماعی باشد، اما به شعار سیاسی و اجتماعی تبدیل نشود؟ برای من مهم بود که «ناریا» به جای اینکه چیزی را به تماشاگر دیکته کند، موقعیتی را پیش روی او قرار بدهد تا خودش قضاوت کند. من تلاش کردم نمایش درباره انسان‌ها باشد، نه درباره موضع‌گیری مستقیم. مترو برای من تبدیل به جامعه‌ای کوچک شده که آدم‌های مختلف با گذشته، عقاید، ترس‌ها و خواسته‌های متفاوت در آن کنار هم قرار گرفته‌اند. بنابراین مسائل اجتماعی و سیاسی نمایش از دل روابط و موقعیت‌ها بیرون می‌آیند، نه از شعار. فکر می‌کنم وقتی تماشاگر بعد از پایان نمایش با یک سؤال از سالن بیرون بیاید، اثرگذاری بیشتری افتاده تا اینکه من بخواهم جواب مشخصی را به او تحویل کنم.

○ «ناریا» از یک فضای بسیار روزمره، یعنی مترو، شروع می‌شود. چرا مترو؟ چه چیزی در مترو وجود دارد که مثلاً یک خانه، خیابان یا فضای عمومی دیگر نمی‌توانست به شما بدهد؟

مترو برای من یک تمثیل خیلی جدی از جامعه است. آدم‌هایی که شاید هیچ ارتباطی با هم نداشته باشند، برای مدتی کوتاه مجبور می‌شوند در یک فضای مشترک کنار هم قرار بگیرند. آدم‌های مختلف با طبقات، افکار و گذشته‌های متفاوت در یک واکن جمع می‌شوند و ناگهان اتفاقی می‌افتد که سرنوشت همه‌شان را به هم گره می‌زند. از طرفی مترو ویژگی دیگری هم دارد؛ مقصد دارد، اما وقتی متوقف

سروین دهقان
گفت‌وگو



«ناریا» فقط روایت آدم‌هایی در یک واکن مترو نیست؛ تصویری کوچک‌شده از جامعه‌ای است که آدم‌های متفاوتش ناخواسته در مسیری مشترک کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. حسین فردوسی، کارگردان، تلاش کرده مسائل اجتماعی و سیاسی نمایش را از دل موقعیت و روابط انسانی روایت کند، نه از مسیر شعار؛ حسین ظریف‌کار، تهیه‌کننده، از ایستادن میان ریسک سنگین اقتصادی تولید یک نمایش پربازیکر و مسئولیت اجتماعی تئاتر می‌گوید و نیلوفر پناهی، بازیگر نقش راضیه، از تجربه‌ای حرف می‌زند که در دور سوم اجرا، بیش از گذشته با واقعیت امروز جامعه پیوند خورده است. سه نگاه متفاوت به یک نمایش، یک پرسش مشترک را پیش می‌کشند؛ وقتی جامعه در شرایط سخت قرار می‌گیرد، چقدر می‌توانیم یکدیگر را تحمل کنیم، نجات دهیم و همچنان به زنده ماندن امید داشته باشیم؟ در ادامه گفت‌وگوی روزنامه صبا را با عوامل نمایش «ناریا» می‌خوانید.

